میزان کلامی در حبط و تکفیر

یک جور دیگر هم بحث‌های کلامی است. «موازین» یعنی وقتی شخصی برای محاسبه می‌آید، اعمال خوب و بد دارد. این‌ها با هم موازین تشکیل می‌دهند. یعنی آن حبط و تکفیر و احباط که بحث‌های کلامی داشت، بعضی از اقسام احباط و تکفیر درست بود. بعضی از آن‌ها را اهل‌سنت و متکلمین آن‌ها داشتند که باطل بود. در آن بعض موارد که حق بود «موازین» یعنی کسر و انکسار. «مَنْ خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ»؛ یعنی در میزان‌های او بعد از کسر و انکسار، چیزی نمی‌ماند. «موازین» به‌معنای خروجی کسر و انکسار جمیع اعمال است. «فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ»؛ آنچه که بعد از کسر و انکسار و خروج موازین کار او، سنگین است. آنچه که از کسر و انکسار جمیع اعمال او می‌ماند، امر قابل اعتناء است. این هم «موازین» است.

شاگرد: روی حسابی که میزان را ترجمه کردی، این آیه را ترجمه بفرمایی‌د. میزان را به‌معنای اعتدال و حق گرفتی‌د.

استاد: شما معنای اول را می‌گویی‌د یا دومی؟

شاگرد: معنای دومی که خودتان فرمودی‌د.

استاد: که به‌معنای کسر وانکسار باشد.

شاگرد: خیر؛ کسر و انکسار را در توجیه جمع میزان و موازین فرمودی‌د. برای اینکه چرا «موازین» می‌گویند دو توجیه آوردی‌د. «خف میزان ترفعان منه» را ترجمه بفرمایی‌د.

بازبینی #2
ایجاد شده 13 فوریه 2024 14:36:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 فوریه 2024 11:54:45 توسط ... .